

رابطه رضایت و طرحواره های جنسی با رضایت زناشویی دانشجویان زن متاهل

سعید کریم نژاد نیارق^۱، احمد برجعلی^۲، فاطمه علویان^۳، فاطمه آذرتاش شندی^۴

۱. کارشناس ارشد روان شناسی بالینی، مدرس دانشگاه جامع علمی - کاربردی، تهران

۲. استادیار، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

۳. کارشناس روان شناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

۴. کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

افلاک / سال ششم / شماره ۲۱۰۲ / پاییز و زمستان ۱۳۸۹

چکیده

مقدمه و هدف: با توجه به اهمیت بالای رضایت زناشویی در این مطالعه رابطه بین رضایت جنسی، طرحواره های جنسی با رضایت زناشویی دانشجویان متاهل زن در دانشکده های روان شناسی شهر تهران ارزیابی شده است.

مواد و روش ها: تحقیق حاضر از نوع همبستگی و غیرتجربی بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان زن متاهل در دانشکده های روان شناسی شهر تهران بودند. از طریق نمونه گیری خوشه‌ای، تعداد ۱۰۰ نفر از جامعه آماری به عنوان نمونه، انتخاب شدند. جمع آوری داده ها با پرسشنامه رضایت جنسی، رضایت زناشویی و مقیاس طرحواره جنسی زنان انجام شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی و آمار استنباطی شامل رگرسیون چندگانه و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد که بین طرحواره های جنسی، رضایت جنسی و رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). متغیرهای طرحواره های جنسی و رضایت جنسی در مجموع ۲۳ درصد واریانس متغیر رضایت زناشویی را تبیین می کنند و به عبارت دیگر ۲۳ درصد از رضایت زناشویی ناشی از این متغیرها است و همچنین متغیرهای رضایت جنسی و طرحواره پر شور و رمانتیک با مقدار ۰/۴۳۸ و ۰/۳۳۲ دارای بیشترین تاثیر هستند. به عبارت دیگر به ازای یک واحد افزایش رضایت جنسی به میزان ۰/۴۳۸ واحد و به ازای یک واحد افزایش طرحواره پرشور به میزان ۰/۳۳۲ واحد بر میزان رضایت زناشویی افزوده می شود.

نتیجه گیری: رضایت جنسی و رضایت زناشویی همبستگی مثبت معناداری با یکدیگر دارند و قدرت پیش بینی افزایش یا کاهش یکدیگر را دارند. پیشنهاد می گردد تا دانشگاه های تحت بررسی در دوره های تحصیلی دانشگاه، کارگاه های آموزشی لازم جهت ایجاد رضایت زناشویی و جنسی برگزار نماید. تعداد کلینیک های مشاوره نیز بهتر است در دانشگاه های شهر تهران افزایش یابد و سطح دانش افراد جامعه مخصوصاً زنان در رابطه با مسایل جنسی افزایش یابد.

واژه های کلیدی: رضایت جنسی، طرحواره های جنسی، رضایت زناشویی



مقدمه

ازدواج یکی از مهمترین مراحل زندگی انسان می باشد که به دلایل مختلفی شکل می گیرد. در کنار تمایلات جنسی که از مسائل اولیه هستند، عشق، امنیت اقتصادی، محافظت، امنیت عاطفی، احساس آرامش و فرار از تنهایی نیز بعضی از عواملی هستند که باعث گرایش به ازدواج می شوند (۱). در واقع، ازدواج موفق و شروع رابطه زناشویی قداراست بسیاری از نیازهای جسمی و روانی را در یک محیط امن برآورده سازد (۲).

از طرفی، رضایت زناشویی یک جنبه بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه زناشویی است. به عبارت دیگر، یکی از جنبه های حیاتی یک سیستم زناشویی، رضایتی است که همسران در رابطه خویش احساس و تجربه می کنند (۳). رضایت زناشویی ارزیابی هیجانی- شناختی و ذهنی است که یک فرد از رابطه زناشویی خود دارد (۴). گریف^۱ در تعریف سازگاری و رضایت زناشویی اظهار می کند که زوجین سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطح روابط خود و کیفیت گذران اوقات فراغت رضایت دارند و مدیریت خوبی در زمینه وقت و مسائل مالی خودشان اعمال می کنند (۵). نظریه پردازان سیستمی، مشکلات زوجین و نارضایتی زناشویی را ناشی از وجود الگوهای ارتباطی ناکارآمد بین زوجین و اصولا پدیده ای بین فردی می دانند. آنها معتقدند ایجاد و حفظ روابط صمیمانه در جریان ازدواج یک مهارت و هنر است که بر سلامت روانی زوجین تاثیر فراوان دارد و بخشی از این مهارت برگرفته از نگرشهای آنان به مفاهیم ازدواج، رضایت زناشویی و رابطه جنسی است و یکی از مسائل بزرگی که بیش از هر چیز زندگی فردی و اجتماعی انسان را تحت تاثیر قرار می دهد، تمایلات جنسی است (۶).

پیشرفت های نظری و تجربی به درک بیشتر شناخت های مؤثر در رابطه زناشویی منجر شده اند. عوامل شناختی مختلفی در نارضایتی و ناسازگاری های زناشویی مؤثر هستند. در همین

زمینه اپشتاین و باکوم^۲ مطرح می کنند که نوعی از شناخت ها که در رابطه زناشویی مهم می باشند، طرحواره ها هستند (۷). در حوزه شناخت درمانی بک^۳ در اولین نوشته های خود به مفهوم طرحواره اشاره کرده است. طرحواره ها سازه هایی هستند که بر اساس واقعیت یا تجربه شکل می گیرند و به عنوان واسطه، پاسخ های رفتاری افراد را تحت تاثیر قرار می دهند و در ساختار روان درمانی، طرحواره به عنوان یک عامل سازمان بخش در نظر گرفته می شود که برای درک تجارب زندگی فرد ضروری است. وی معتقد است که اغلب مشکلات بین فردی که افراد تجربه می کنند تحت تاثیر شیوه تصور آنها می باشد که او آن را طرحواره می نامد (۸). یانگ نیز معتقد است که بعضی از افراد به خاطر تجارب کودکی منفی طرحواره های ناسازگاری را ایجاد می کنند که بر شیوه تفکر، رفتار و احساس آنها از روابط صمیمانه و زندگی زناشویی آنها تاثیر می گذارد. طرحواره های مربوط به رابطه زناشویی در برگیرنده باورهای اساسی درباره ماهیت انسان و نحوه روابط آنها می باشند (۹). برخی از طرحواره ها به ویژه آنها که عمدتاً در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می گیرند، ممکن است هسته اصلی اختلالات شخصیتی و مشکلات بین فردی باشند. یانگ، کلسکو، ویشار^۴ طرحواره های ناسازگار اولیه را الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب رسانی تعریف می کنند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته اند و در زندگی تکرار شده و بر نحوه تعبیر و تفسیر تجارب و رابطه با دیگران تأثیر می گذارند (۱۰). بم^۵ نیز نظریه طرحواره جنسیتی را اینگونه مطرح می کند، طرحواره، مفهومی در روانشناسی شناختی است که به بررسی این نکته می پردازد که افراد چگونه می اندیشند، چگونه ادراک و پردازش می کنند و چگونه اطلاعات را به یاد می آورند. طرحواره چارچوب دانش کلی فرد درباره یک موضوع

1. Grief

2. Epstein & Baucom

3. Beck

4. Young & Kelosko & Vishar

5. Bem



خاص است (۱۱). طرحواره جنسیتی ارتباط نزدیکی با خودپنداری دارد. به عقیده بیه، افراد تا حدی طرحواره های جنسیتی مختلف دارند و این تغییر محتوی شاید نتیجه انواع اطلاعاتی است که فرد در خانواده و فرهنگ و جامعه در رابطه با جنسیت در سراسر دوران زندگی خود با آن مواجه شده است (۱۱). طرحواره جنسی تعمیم شناختی ابعاد جنسی فرد است که از تجارب قبلی فرد نشات گرفته و طیف وسیعی از ابعاد جنسی از جمله گرایشهای جنسی، رفتارهای جنسی، نگرشهای جنسی و بازنمایی شناختی هویت جنسی فرد را در برمی گیرند. از آنجایی که تصور فرد از خودش بر نحوه رفتار فرد تاثیر می گذارد، گمان می رود که طرحواره های جنسی بر فرایند پردازش اطلاعات جنسی و همچنین هدایت رفتار جنسی تاثیر بگذارند. زنانی که دارای طرحواره جنسی مثبت می باشند در مقایسه با زنانی که دارای طرحواره های منفی می باشند احساس بهتری در مورد تجربیات جنسی خود دارند و این طرحواره های مثبت، آنان را به سوی وارد شدن به یک رابطه جنسی رضایت بخش هدایت می کند (۱۲، ۱۳). با توجه به آنچه بیان شد، هدف اصلی این مطالعه تعیین رابطه بین رضایت و طرحواره های جنسی با رضایت زناشویی دانشجویان متاهل زن شهر تهران بود.

مواد و روش ها

پژوهش حاضر غیر آزمایشی و طرح آن همبستگی از نوع پیش بینی است. نمونه پژوهش را ۱۰۰ نفر از دانشجویان متاهل زن شهر تهران را که مشغول به تحصیل بودند تشکیل می داد که به روش خوشه ای دو مرحله ای انتخاب شدند. جهت انجام این تحقیق ابتدا پژوهشگر از بین کلیه دانشگاه های دولتی شهر تهران، ۵ دانشگاه مادر را به عنوان خوشه انتخاب کرده و سپس از این دانشگاه ها، ۱۰۰ نفر از دانشجویان متاهل زن دانشکده های روانشناسی به صورت تصادفی (هر دانشگاه ۲۰ نفر) انتخاب شدند و پرسشنامه در اختیار آنان گذاشته شد. ابزار

جمع آوری اطلاعات شامل فرم رضایت زناشویی، پرسشنامه رضایت جنسی و مقیاس طرحواره جنسی زنان بود. پرسشنامه رضایت زناشویی برای ارزیابی زمینه های بالقوه مشکل زا یا شناسایی زمینه های قوت و غنی سازی رابطه زناشویی بکار می رود. همچنین از این پرسشنامه برای تشخیص زوج هایی استفاده می شود که نیاز به مشاوره و تقویت رابطه خود دارند. بعلاوه این پرسشنامه به عنوان یک ابزار معتبر در تحقیقات متعددی برای بررسی رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. اولسون و اولسون^۱ که از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده نمودند، معتقدند این مقیاس به تغییراتی که در طول دوره حیات آدمی رخ می دهد مربوط می شود و همچنین در این خصوص به تغییراتی که در خانواده به وجود می آید حساس است (۱۴). در پژوهش حاضر از فرم ۴۷ سوالی استفاده گردیده است که اعتبار و پایایی آن از طریق روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و مقدار ضریب آلفا ۰/۸۵ بود. این پرسشنامه به صورت ۵ گزینه ای (نگرش سنج از نوع لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) می باشد.

دومین ابزار پرسشنامه رضایت جنسی بود. این پرسشنامه احساسات و نگرانی های شخصی را درباره محبت و رابطه جنسی با همسر ارزیابی می کند. نمرات بالا، رضایت از ابراز محبت و گرایش مثبتی را درباره نقش جنسیت در ازدواج منعکس می کند. نمرات پایین، نارضایتی از ابراز محبت در رابطه، نگرانی درباره نقش جنسیت در ازدواج و یا عدم توافق در مورد تصمیمات مربوط به کنترل موالید را نشان می دهد. این ابزار توسط یآوری ساخته شده و شامل ۱۷ سوال و یک مقیاس نگرش سنج از نوع لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) است که به هر گزینه از یک تا پنج امتیاز داده می شود. برای پایایی پرسشنامه در این تحقیق از روش دو نیمه کردن استفاده شده است. بدین صورت که سوالات فرد و زوج جدا جدا نمره گذاری شده است و ضریب همبستگی و ضریب پایایی این پرسشنامه

1.Olson



جدول شماره ۱: ماتریس همبستگی خرده مقیاس پرشور- رمانتیک، خرده مقیاس صریح- راحت، خرده مقیاس خجالتی- محتاط و متغیر رضایت جنسی با متغیر رضایت زناشویی

متغیر	۱	۲	۳	۴	میانگین نمرات	انحراف معیار
خرده مقیاس پرشور- رمانتیک طرحواره جنسی	-				۳۰/۳۹	۱۶/۶۶
خرده مقیاس صریح- راحت طرحواره جنسی	۰/۲۹*	-			۲۴/۴۵	۹/۶۴
خرده مقیاس خجالتی- محتاط طرحواره جنسی	۰/۳۸*	۰/۳۵*	-		۲۷/۲۹	۱۳/۰۱۹
رضایت جنسی	۰/۲۴*	۰/۲۴*	۰/۱۹*	-	۹۶/۰۹	۳۰/۴۶
رضایت زناشویی	۰/۲۰*	۰/۱۹*	۰/۰۶۴	۰/۳۲**	۱۲۹/۸۶	۳۷/۴۹

** $p < 0.01$

* $p < 0.05$

N: ۱۰۰

جدول شماره ۱ نشان می دهد گرچه بین خرده مقیاس پرشور/ رمانتیک طرحواره جنسی و رضایت زناشویی همبستگی معنادار منفی وجود دارد، اما بین خرده مقیاس صریح / راحت طرحواره جنسی و رضایت زناشویی همبستگی معنادار مثبت وجود دارد. همچنین متغیرهای طرحواره خجالتی/ محتاط و رضایت زناشویی رابطه معناداری با همدیگر ندارند. نتایج جدول شماره ۱ همچنین نشان می دهد که بین خرده مقیاس پرشور/ رمانتیک طرحواره جنسی و رضایت جنسی همبستگی معنادار منفی وجود دارد و نیز خرده مقیاس راحت- صریح و خرده مقیاس خجالتی / محتاط طرحواره جنسی با رضایت جنسی همبستگی معنادار مثبت دارند. همانطور که قابل مشاهده است بین متغیر رضایت جنسی و رضایت زناشویی همبستگی معنادار مثبت وجود دارد.

اطلاعات جدول شماره ۲ نشان می دهد که طرحواره صریح و خجالتی و پرشور به ترتیب ۲۰٪ و ۱۳٪ و ۲۱٪- و رضایت جنسی ۲۲٪ از میزان رضایت زناشویی را تعیین می کنند و متغیر رضایت جنسی بیشترین قدرت تاثیر را در میان متغیرها در تعیین میزان رضایت زناشویی داراست ($P < 0.01$).

۷۵٪ به دست آمده است (۱۵). سومین ابزار، مقیاس طرحواره جنسی زنان بود که توسط اندرسن و سیرانووسکی^۱ به منظور ارزیابی طرحواره جنسی زنان ساخته شده است (۱۶). اندرسن و سیرانووسکی طرحواره جنسی را به عنوان تعمیم شناختی ابعاد جنسی فرد تعریف کرده اند. مقیاس طرحواره جنسی زنان از ۵۰ صفت تشکیل شده است آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای (از خیلی کم تا خیلی زیاد) مشخص سازد که هر یک از این صفات تا چه حد وی را است توصیف می کند و در شخصیت او نمود دارد. این آزمون دارای ۲۶ ماده اصلی و سه زیر مقیاس پرشور - رمانتیک، صریح- راحت و خجالتی - محتاط بود. زیر مقیاس پرشور- رمانتیک دارای ۱۰ سوال، زیر مقیاس صریح- راحت ۸ سوال و زیر مقیاس خجالتی- محتاط ۸ سوال داشت. نمره مقیاس طرحواره جنسی زنان برابر است با نمره زیرمقیاس پرشور/رمانتیک + نمره زیر مقیاس صریح/راحت - نمره زیر مقیاس خجالتی/محتاط. در پژوهش حاضر محقق برای بررسی پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده کرده است که مقدار ضریب آلفا ۰/۸۲ بود. پرسشنامه های ذکر شده در اختیار نمونه آماری قرار داده شد و نتایج آن با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از روشهای آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی مانند رگرسیون چند متغیری و ضریب همبستگی پیرسون برای تحلیل نتایج استفاده شده است.

یافته ها

میانگین سنی نمونه مورد بررسی، ۲۵ با انحراف استاندارد ۲ سال بود. ۶۰ نفر (۶۰٪) دارای تحصیلات لیسانس، ۳۵ نفر (۳۵٪) فوق لیسانس و ۵ نفر (۵٪) دارای مدرک دکتری بودند. ۸۵ نفر (۸۵٪) ساکن خوابگاه و ۱۵ نفر (۱۵٪) بومی (ساکن تهران) بودند. ۵۵ نفر (۵۵٪) در سال پنجم ازدواج و ۴۵ نفر (۴۵٪) در سال سوم ازدواج بودند.



جدول شماره ۲: نتایج تحلیل واریانس طرحواره های جنسی صریح، خجالتی، پرشور و رضایت جنسی

شاخصها	مقدار f	ضرایب استاندارد شده		سطح معناداری
		ضرایب شده	ضرایب استاندارد نشده	
متغیرها		بتا	خطای استاندارد	بتا
مقدار ثابت	۵/۵۷۲	-	۲۴/۰۳۷	۱۳۲/۸۵۹
۵				
صریح	۲/۱۰	۰/۲۰	۰/۳۷۰	۰/۷۷۸
۰				
خجالتی	۱/۳۶	۰/۱۳	۰/۲۸۳	۰/۳۸۶
۰				
پرشور	۲/۱۱	-۰/۲۱	۰/۲۲۴	-۰/۴۷۴
۰				
رضایت جنسی	۲/۱۸	۰/۲۲	۰/۱۲۴	۰/۲۷۲
۰				

بحث

نتایج نشان داد که متغیر طرحواره جنسی می تواند تغییرات مربوط به رضایت زناشویی معلمان زن را با ۹۵ درصد اطمینان پیش بینی کند. همبستگی بین دو متغیر مثبت می باشد و این بدین معناست که با افزایش نمره طرحواره جنسی میزان رضایت زناشویی زنان افزایش می یابد. به عبارت دیگر طرحواره های جنسی بر میزان رضایت زناشویی تاثیر دارد.

یافته های این پژوهش با تحقیق ذوالفقاری که به بررسی رابطه طرحواره ها و رضایت زناشویی و صمیمیت زناشویی پرداخته بود همسو می باشد (۱۷). از این نظر که بین نگرش و طرحواره های جنسی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد و تحلیل رگرسیون برای پیش بینی رضایت زناشویی نشان داد که نگرش جنسی می تواند با اطمینان ۹۹ درصد تغییرات مربوط به رضایت زناشویی را پیش بینی کند. همچنین این نتایج با تحقیقات استیلز^۱ مبنی بر وجود رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه و صمیمیت در روابط عاشقانه و همچنین رضایت زناشویی همسو بوده و هماهنگ با آنها مطرح می کند که هر چه حضور طرحواره های ناسازگار اولیه افزایش یابد رضایت زناشویی کاهش می یابد (۱۸). این یافته ها و همسوئی آنها با پژوهش های فوق نشانگر نقش تردید ناپذیر و تعیین کننده طرحواره ها در نارضایتی زناشویی زوجین است. همخوانی این نتایج را می توان براساس یافته های نظری توجیه کرد که عنوان می کنند که شناختها در جریان رابطه زناشویی

تاثیرگذار هستند (۲۰، ۱۹). به اعتقاد واینر^۲ بین طرحواره ها و رفتار یک توالی منطقی وجود دارد به این معنا که طرحواره ها نوع رفتارهای انسان را تعیین می کند و در ارتباط میان همسران نیز این طرحواره ها هستند که نقش موثری را در نوع برداشت زوج از رفتارهای یکدیگر داشته و در تفسیر این نوع رفتارها سبب خوشنودی و رضایت و یا با تفسیر نادرست، سبب عدم رضایت می گردد (۲۰).

نتایج نشان داد طرح واره های جنسی می تواند تغییرات مربوط به رضایت جنسی دانشجویان متاهل زن را پیش بینی کند یعنی با افزایش میزان نمره زنان متاهل دانشجویان در طرحواره جنسی، میزان رضایت جنسی آنان افزایش می یابد و در واقع طرحواره های جنسی قدرت پیش بینی میزان رضایت مندی جنسی زنان را دارا هستند.

یافته ها با نتایج پژوهش رادلوا^۳ همسو می باشد (۹). یافته ها نشان می دهد اگر چه بین طرحواره ها و رضایت جنسی رابطه وجود دارد اما در زنان برخوردار از طرحواره های صرفا زنانه موجب نارضایتی بیشتری در رفتار جنسی می شود؛ بدین صورت که در زنان وجود طرحواره های صرفا زنانه در کنار کلیشه های فرهنگی که از زنان مطیع بودن و خجالتی بودن و عاطفی و هیجانی و رمانتیک بودن را انتظار دارد نارضایتی بیشتری را در روابط جنسی مطرح می کند. در حالیکه زنانی که طرحواره های مردانه ای چون دفاع از باورهای خود، راحت و صریح و جراتمند بودن برخوردار بوده اند و در واقع از هردو طرحواره برخوردار بوده اند نارضایتی جنسی کمتری داشته اند و راحت تر تمایلات جنسی خود را بیان می نمایند (۶). در واقع افراد با داشتن هردو طرحواره در مقایسه با افرادی که طرحواره های ذهنی آنها صرفا زنانه است در موقعیتهای گوناگون بهتر عمل می کنند و انعطاف پذیری بیشتری در رفتارها احساس و افکار خود دارند که هم سلامت روانشناختی و هم سازگاری

1. Stiles 2. Weiner
3. Radlove



نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داد با افزایش نمره طرمواره جنسی میزان رضایت زناشویی افزایش می یابد، بنابراین، پیشنهاد می گردد دانشگاه ها کارگاه های آموزشی لازم جهت ایجاد رضایت زناشویی و جنسی برگزار نمایند. همچنین در طول سالهای ابتدایی تحصیلی تلاش شود تا تصوره های قالبی چون سلطه پذیر بودن، وابسته بودن، هیجانی بودن، ترسو و وابسته بودن در مورد زنان را که فرهنگ جامعه به دختران منتقل می کند و در ساخت طرمواره های آنان نقش موثری دارد را تغییر داد. میزان کلنیکهای مشاوره جنسی نیز بهتر است در دانشگاه ها افزایش یابد و سطح دانش افراد جامعه مخصوصا زنان در رابطه با مسایل جنسی افزایش یابد. همچنین با توجه به بین فردی بودن رابطه زناشویی و رضایت جنسی پیشنهاد می شود تا این تحقیقات در بین جامعه مردان نیز مورد بررسی و با نتایج تحقیقات زنان مورد مقایسه قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

از کلیه کسانی که در انجام این تحقیق با پژوهشگران همکاری داشته اند کمال تشکر و قدردانی به عمل می آید.

بیشتر روابط زناشویی و رضایت جنسی را برای آنان فراهم می نماید (۵، ۱۰).

نتایج نشان داد با افزایش میزان رضایت جنسی میزان رضایت زناشویی نیز افزایش می یابد، به مفهوم دیگر کسب رضایت جنسی در زنان پیش بینی کننده رضایت آنان در روابط زناشویی می باشد و مقدار بتای بدست آمده از آزمون رگرسیون چند متغیری نشان می دهد که رضایت جنسی بیشترین تاثیر را در کسب رضایت زناشویی معلمان داشته است و با بررسی میزان رضایت جنسی در زنان به خوبی می توان رضایت آنها از روابط زناشویی شان را نیز پیش بینی نمود.

این یافته ها با پیشینه نظری و نیز با تحقیقات برزنیاک^۱ و ویسمن همسو می باشد (۷). در این پژوهش ها رضایت جنسی عامل موثری در روابط زناشویی گزارش و بیان شده است و بیان می کند فعالیت جنسی چنان در زندگی زناشویی مهم است که عدم فعالیت جنسی می تواند نشانده وجود مشکلات دیگری در پیوند ازدواج باشد که تاییدی بر این مطلب است که رضایت جنسی و رضایت زناشویی همبستگی مثبت معناداری با یکدیگر داشته و قدرت پیش بینی افزایش یا کاهش یکدیگر را دارند. با توجه به بین فردی بودن رابطه زناشویی و رضایت جنسی پیشنهاد می شود تا این تحقیقات در بین جامعه مردان نیز مورد بررسی و با نتایج تحقیقات زنان مورد مقایسه قرار گیرد. از نقاط قوت این مطالعه می توان به تعمیم نتایج این تحقیق در میان دانشجویان زن متاهل سایر دانشگاه ها اشاره کرد و از نقاط ضعف آن می توان به عدم تعمیم این نتایج در میان دانشجویان مرد متاهل اشاره کرد. محدودیت اصلی این تحقیق تعداد کم نمونه آماری می باشد که علت آن محدود بودن انتخاب دانشجویان زن متاهل به دانشکده روانشناسی بوده است.



1. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy: a practitioner's guide. New York: Guilford Press 2003: 23-64.
2. Brezsnayak M, Wisman MA. Sexual desire and relationship functioning: The effects of marital satisfaction and power. *Sex Marital* 2004; 30(3): 199-217
3. Sprecher S, Wenzel A, Harvey J. Handbook of Relationship Initiation. New York: Taylor & Francis Group 2008: 337-353.
4. Bem SL. Gender schema theory: A cognitive account of sex typing. *Psychological Review* 2007; 88: 354-364.
5. Grief AP. Characteristics of families that function well. *J Fam Issu* 2010; 21(8): 948-963.
6. Beutel ME, Schumacher J, Weidner W. Sexual activity, sexual and partnership satisfaction in ageing men-results from a German representative community study. *Andrologia* 2002; 34:22.
7. Epstein NB, Baucom DH. Enhanced cognitive behavioral therapy for couples: A contextual approach. Washington, DC: American Psychological Association 2002: 284.
8. Beck AT. Depression: Causes and treatment. Philadelphia, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press 2009: 225.
9. Young M. Sexual satisfaction among married women. *Are J Health Studies* 2000; 16: 73-84.
10. Young M, Kelosko J, Vishar F. Concurrent discriminate validity of the Kansas marital satisfaction scale. *Journal of Marriage and the Family* 2005; 48(2): 381-387.
11. Bem SL. Gender schema theory and its implications for child development 2007; 8: 598-616.
12. Radlove S. Sexual response and gender roles. In ER. Allgeier & McCormick (Eds). *Changing boundaries, Gender roles & sexual behavior* 2009: 292.
13. Radlove S. Sexual response and gender roles. In ER. Allgeier & N. B. McCormick (Eds). *Changing boundaries, Gender roles & sexual behavior* 2003: 292.
14. Olson DH, Olson A. The psychology of women. Enrich Canada, inc. *J Fam Mistry* 2004; 11(4): 28-53.
15. Yavari A. A Study of Investigation of Irrational Thoughts on Marital Dissatisfaction. (Dissertation) Tehran: Teacher Training University of Tehran 1994 [In Persian].
16. Andersen BL, Cyranowski JM. Women's sexual self schema. *Journal of Personality and Social Psychology* 2003; 67(6): 1079-1100.
17. Zolfaghari M. Determining Relationships Between Early Maladaptive Schemas and Marital Intimacy Among Mobarakeh Steel Complex Personnel, *Journal of Family Research* 2008; 4(3): 247- 261 [In Persian].
18. Stiles OE, Early maladaptive schemas and intimacy in young adult's romantic relationship .Unpublished doctoral dissertation. San Francisco, USA: Alliant International University 2004: 42. Available: [www: proquest.com](http://www.proquest.com)
19. Guo B, Huang J. Marital and sexual satisfaction in Chinese families: Exploring the moderating effects. *J Sex Marital* 2005; 31(1): 21-9.
20. Weiner B. *Human Motivation*. New York: Holt, Rinehart and Winston 2003; 25-9.



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.